

۲۱ مهر ۱۳۹۴ - شماره: ۳۸

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

بازگشت به اسلام؛
امتداد نهضت حسین بن علی

نویسنده مقاله:

حلیمه صابر

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



به نام آنکه رحمن و رحیم است...

به آسمان پر از رمز و راز و هلال ماه محرم می‌نگرم. راستی که هلال زیبای ماه، بسیار دلگیر است؛ گویی یک دنیا حرف در خود دارد.

وقتی شب اول ذی الحجه قلم به دست گرفتم و رازهای درون قلبم را با حاجیان تقسیم کرده و به تحریر درآوردم نمی‌دانستم که قرار است برخی از عزیزانمان در منا آن‌گونه سفری بی‌بازگشت را آغاز کنند. آه که چه قدر زود دیر می‌شود. ای دوست! قبولم کن و جانم بستان... پس ای زندگان که هنوز فرصت جبران دارید! اگر به خطا رفتید، از برگشتن نترسید. لبیک یا تَوَّاب و یا سَتَّار و یا کریم! چرا بسیاری از ما گمان می‌کنیم فرصتمان بیش از آن است که نگران اتمامش باشیم؟! اکثر انسان‌ها به گونه‌ای زندگی می‌کنند که گویی هرگز نمی‌میرند و به گونه‌ای می‌میرند که گویی هرگز زندگی نکرده‌اند.

خواهر و برادرم! ماه محرم فرا رسیده است. در این ماه قلب‌ها به حرمت مودت پاک و عمیقی که همگان به فرزند دخت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داریم، مستعد برای تحوّل و تعالی است. بیاییم در این ماه دست در دست یکدیگر به سوی هدف والای اسلام حرکت کنیم تا دگرگون شویم. بیاییم با هم زمزمه کنیم: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

و قنا عذاب النار». بیاییم در این فراز از زندگی یک بار هم به ندای فطرت پاکمان گوش دهیم و عمل کنیم، تا به یک زندگی معنوی، پاک و سعادت‌مندانه برسیم و فرجامی نیکو را برای خویش رقم بزنیم.

تعلّل جایز نیست؛ برای ایجاد اصلاح فردا هم دیر است. بیاییم با هم یکی از بهترین محرم‌های عمرمان را تجربه کنیم تا شاید نجات یابیم. باید پیش از شروع محرم، فضای معنوی درون خود را کاملاً برای لقای پروردگار مهیا کنیم. این ایّام، عالم درون انسان پر از غوغا و شور معنوی است و برای خود، دنیای عجیبی دارد و اگر بتوانی وارد این فضای معنوی شوی، به طور حتم تأثیرات کافی و مناسب را از آن خواهی گرفت. بیداری از خواب غفلت و انقلاب درونی از پیام‌های محوری و بنیادین حسین بن علی است که آن را با بانگ رسایی برای همیشه در امتداد تاریخ سر داد تا این‌گونه همگان را از خواب غفلت بیدار سازد و زان پس هر کس که ندای حسین به او می‌رسد اگر خفته‌ی معنوی است بیدار گردد.

برادر و خواهرم! آنان که مطیع و تسلیم خداوند هستند، از چشمه‌ی محبت پیامبر و مودّت اهل بیتش وضو گرفته‌اند، به سیرت آنان در مقام عمل اقتدا می‌کنند و در دریای توبه خود را شستشو می‌دهند. آن‌ها هستند که بستر مساعدی برای هدایت ایجاد کرده‌اند و از همین رو هدایت خداوند را در قلب خویش دریافت می‌کنند؛ نه لزوماً آن‌ها که روضه می‌گیرند و زنجیر می‌زنند و جسم و جان خود را به زحمت می‌اندازند. بیدار شو خواهر و برادرم تا نجات یابی! بیدار شو و مراقب باش که در محرم خوابت سنگین‌تر نشود که خسرانی مبین است.

ای کسانی که مدّعی عشق حسین هستید! بدانید که مودّت حسین بن علی به عنوان ذوی القربی رسول الله، مزد رسالت آن حضرت است و بی تردید باید با معرفت و بصیرت به اسلام همراه باشد. مودّت حسین بدون شناخت راه و هدف او سودی نمی‌رساند. اگر حقیقتاً دل‌هاتان لبریز از مودّت اوست و با یاد او چراغانی می‌شود، باید راه و روش و آرمان او را در زندگی دنبال کنید و آن هنگام است که اگر دیدگانتان برای مصائب او بارانی شد، این اشک، اشک نجات از آتش دوزخ است؛ نه هر آبی که از چشم برآید و خالی از معرفت بر زمین افتد!

خدایا! امشب در اولین شب ماه محرم بالی از پرواز می‌خواهد دلم. بالی به وسعت دل کردن از خود و نفسانیات و جهالت‌های خود. می‌خواهم برای اولین بار در ماه محرمی از ماه‌های محرم عمرم سر بر دامن پیامبر و اهل بیت پاکش بگذارم تا از آسمان سر برآورم. خدایا! دری

از کرامت را گشوده‌ای و بنده‌ای چون من به درگاهت آمده است. خدایا! یاری‌ام کن غفلت‌ها را ترک کنم که دیگر دانستم عزاداری اهل ایمان و تقوا و عمل صالح چاره‌ساز است و راهگشا. سال‌ها در محرم، غافلانه عزاداری کردم و روز به روز از تو دور شدم و قلبم نوری نگرفت. دیگر فهمیده‌ام حسین بن علی به گریه‌های من یا به عزاداری بی‌مایه و خالی از شعور من احتیاجی ندارد، بلکه او خورشید فروزانی است و سینه‌ای است برای نجات من از جهل‌ها و غفلت‌ها. او آمد و خون خویش را داد تا نوری در این تاریکی باشد و الگوی شایسته‌ای برای مسلمانان تا راهش را ادامه دهند نه آنکه به نامش خودزنی کنند! من و امثال من سال‌ها به امید ثواب، کودکانه برای او فقط گریه کردیم، سیاه پوشیدیم و آتش و حلیم دادیم و سرگرم و گرفتار اوهامی بودیم که به ما از کودکی تا کنون آموخته بودند. اما او برای این‌ها قیام نکرده بود. امروز می‌خواهم رها شوم و کج‌فهمی‌هایم را جبران کنم. آن‌چه تا کنون دیده بودم تاریکی بر روی تاریکی بوده است. گمراهی را برایم هدایت جلوه دادند و چه بدفرجامی بود برایم اگر به موقع تصمیم نمی‌گرفتم. امروز فهمیدم گریه‌کنندگان بر حسین و عزاداران او کسانی نیستند که معصیت خدا می‌کنند و دچار ردائل اخلاقی فراوان هستند؛ دانستم که عزاداران حسینی کسانی نیستند که طواغیت را یاری می‌کنند یا با ظالم مماشات می‌نمایند. دروغ می‌گویند این‌هایی که مدّعی عزای حسین هستند و در عین حال بر خلاف جهت حسین و خط فکری حسین حرکت می‌کنند. دروغ می‌گویند و تظاهر می‌کنند کسانی که برای مصائب حسین اشک می‌ریزند، در حالی که اگر آن روز بودند در صفوف کوفیان قرار می‌گرفتند؛ چراکه امروز در صفوف کوفی‌صفقان قرار دارند. اینها خود را فریب می‌دهند و می‌پندارند اشک ریختن برای حسین همه‌ی گناهانشان ولو خیانت به حسین باشد را پاک می‌کند؛ همچنانکه کوفیان پس از آنکه حسین را کشتند برایش گریه‌ها کردند و مویه‌ها نمودند و این شد که آن بانوی بزرگوار آنان را گل‌هایی دید که بر روی نجاست روییده‌اند!

خواهران و برادران سیاه‌پوش و عزادار من! به خود آیید و برای تشخیص درست از نادرست به پا خیزید. شاید همانند حاجیان سفر کرده این هم برای شما آخرین محرم عمرتان باشد و با فتنه‌ای همچون حادثه‌ی منا، در این محرم رحل اقامت را بستید و رفتید. اما اجرای آنچه می‌گویم کار سختی نیست. کافی است از ته دل از خداوند هدایت بخواهی و از گذشته پشیمان باشی و برای آینده‌ات تصمیم بگیری. چشمه‌ی اصلی هدایت و معرفت نمایان شده و از لابه لای سنگ‌های ریز و درشت، سخت و نرم، بالآخره خود را برای نوشیده شدن آشکار کرده است. تا کنون که به عشق هدایت از جویبارهای آلوده نوشیده‌اید، ولی همگان بیمار شدید و

در باتلاق‌های عادت‌ها، سرگرمی‌ها، بدعت‌ها، تحریف‌ها و دروغ‌ها گرفتار شدید و دست و پا می‌زنید.

عزیزان من! این واقعیت را قبول کنید که «کار بیرون، شما را از کار درون بازداشته است». بیشتر ما هر روز با چیزی سرگرمیم و چون معرفت نداریم اعمال عبادی و شعائر مذهبی به ما سودی نمی‌رساند و وضعمان بهتر نمی‌شود. این به معنای آن نیست که شعائر مذهبی را ترک کنیم و اعمال عبادی را انجام ندهیم. اگر کسی از سخنان من این گونه برداشت کند در غایت کج فهمی و بی‌انصافی است. من نمی‌گویم انجام ندهیم؛ انجام دهیم اما از سر معرفت و به دور از بدعت و جهالت. برخی از شما در دریای جهل غوطه‌ورید و در آن غرق شده‌اید. بزرگانتان نیروی شما را گرفته‌اند و وقت شما را ضایع کرده‌اند و به سراب‌ها و حاشیه‌ها مشغول نموده‌اند. از همین رو اگر فردای قیامت، در نامه‌ی اعمالتان حسنه‌ای نیافتید جای تعجب نیست؛ چراکه همواره به فرع‌ها مشغول بوده‌اید و اصل‌ها را رها کرده‌اید. شما بر اساس عادت‌ها و القائات بزرگانتان و به تعبیر علامه خراسانی «بدون هدایتی از جانب خدا» دین‌داری می‌کنید. بدانید! این محنتی که از قفس تنگ می‌کشید، کفران نعمتی است که در باغ کرده‌اید. فریب بزرگانتان را خورده‌اید چون معرفت نداشتید؛ همچنانکه من نیز همین‌گونه بودم. «همانا معرفت، صاحب خود را یاری می‌کند» و دلیل حیرانی و سرگردانی شما امروز بی‌معرفتی است. از همین روست که سرتان کلاه رفته و دزدان دین «گمراهی را به جای هدایت به خوردتان داده‌اند».

عزیزان عزادار! از خداوند در این ماه محرم باید مدد بگیریم تا به ما توفیق دهد که بیش از اینکه برای حسین بن علی عزاداری کنیم و برایش بر سر و سینه بکوبیم، پیرو آن بزرگوار باشیم و به روش و منش او تأسی کنیم. بلکه اساساً عزای ما زمانی خوب و مورد تأیید است که مایه‌ی تذکر و تنبّه گردد؛ نه آنکه صرفاً هیجانی زودگذر و محدود به این چند روز باشد.

همه‌ی شما را دلسوزانه دعوت می‌کنم ای خواهر و برادر! هر کسی هستی و هر مقام و منصبی داری! ای مسلمان! ای منتظر! بدان که این چشمه‌ی پاک، راه خویش را بر روی زمین باز کرده است و اکنون به حرکت و جوشش در آمده و شما چه بخواهید و چه نخواهید به فضل و یاری خداوند به اقیانوسی پهناور تبدیل خواهد شد. زنهار! فردا ماهی مرده‌ای نباشید که در لا به لای امواج آن چون تخته‌پاره‌ای بر موج بالا و پایین می‌رود؛ آن هنگام دیگر افسوس فایده‌ای نخواهد داشت.

در این ایام، ذکر کثیر نه به عدد، بلکه به حضور بی غفلت است. حضوری که در آن دریابیم که چون غریقی در دریای موج فتنه‌ها، بازیگر تقدیر خویش هستیم و باید از این امواج هولناک جان سالم به در ببریم و رستگار شویم. آیا همچون غریقی که در حال فرو رفتن است به درگاه خداوند انابه می‌کنیم و از اوضاع معنوی و معرفتی خویش نگران هستیم؟! آیا به این درک رسیده‌ایم که بر کرانه‌ی درّه‌ای از آتش قرار داریم و باید هر چه زودتر رهایی یابیم؟!

آیا همواره این دعا و ذکر شریف را با خویش زمزمه می‌کنیم: «یا الله یا رحمن یا رحیم. یا مقلب القلوب! ثبت قلبی علی دینک» اگر پاسخ همه‌ی این سؤال‌ها منفی باشد، به این معناست که هنوز خطر گمراهی و بیراهه پیمودن را درک نکرده‌ایم و دغدغه‌ی کافی برای هدایت کامل نداریم.

در این برهوت دین و اخلاق و عاطفه و انسانیت، تشخیص راه از چاه دشوار و اصلاح خویشتن مشکل‌تر شده است. اما چرا از فرصت‌های استثنائی و این مناسبت‌های دینی و تذکراتی که در تاریخ برای ما وجود دارد استفاده نکنیم و برای اصلاح خویش از آن بهره نجوییم؟ چرا هر محرم که می‌آید و می‌رود تحوّل در خویش نمی‌یابیم و چرا هر محرمی را که درک می‌کنیم مانند آن است که درک نکرده باشیم؟!

تأمل و مذاقه در کردار و گفتار و سیره‌ی حسین بن علی بزرگ‌ترین درس‌ها را برای ما به ارمغان می‌آورد. از نمازی که در صحرای کربلا به جای آورد گرفته تا لحظه‌ی شهادتش که در خون خود می‌تپد و در صدد هدایت قاتل خویش است. این‌ها درس‌های بزرگ زندگی را در خود نهفته دارد و جوینده‌ای را می‌طلبد که آن را درک کند؛ مانند معدنی حاوی سنگ‌های قیمتی و کمیاب که باید کشف و استخراج گردد.

اما درباره‌ی نماز گفتیم؛ همان نمازی که اغلب عزادارن عاشورایی، در ظهر عاشورای هر سال بسیار به آن اهمیت می‌دهند و با عشق و شور خاصی برایش دست و پا می‌شکنند تا در آن حاضر شوند. اما قاطبه‌ی این نمازگزاران پیام حسین در این نماز را در نمی‌یابند و با آن هدایت نمی‌شوند. چرا؟ چون نمی‌فهمند که نماز حسین در وسط معرکه‌ی حق و باطل و همراه و همگام با حضور در صحنه‌ی ایفای وظیفه‌ی اسلامی بود. نمی‌فهمند که نماز هنگامی اثر دارد و بالا می‌رود که تو بی‌اعتنا به میدان حق و باطل و منزوی از آن نباشی؛ چه رسد به آنکه در جبهه‌ی باطل باشی! نماز حسین در ظهر عاشورا تجلی‌گاه اسلام ناب محمدی با همه‌ی

ابعاد و مقتضیات آن است؛ یادآور عبادت در عین جهاد و جهاد در عین عبودیت است؛ جهادی که ظالمان را رسوا می‌کند و شجره‌ی طیّبه‌ی اسلام را آبیاری می‌نماید؛ نه جهادی که ظالمان را یاری می‌کند و ریشه‌ی اسلام را می‌خشکاند. یادآور اسلامی که در آن رهبانیت نیست و عبادت در خدمت معرفت است. در این نماز حسین بن علی هزاران حرف نهفته است عزیزان! جهت و مسیر را این نماز تعیین می‌کند و خطّ اسلام راستین و امتّ وسط را به همگان نشان می‌دهد. اما نمازهای ما چگونه است؟ آیا شباهتی به معرفت و معنویت و عمق حیرت‌انگیز نماز حسین در صحرای کربلا دارد؟! آیا تنها ذکر زبانی است یا رفع تکلیفی اجباری و به همراه کسالت و کراحت و غفلت فروان؟!

به راستی! آیا معنویت نماز حسین و نورانیت کلام حسین را در خود می‌یابیم؟ چرا نمازهای ما از حضور قلب تهی است؟ در حالی که آن مقدار از نماز ما مورد قبول خداوند است که در آن حضور قلب و توجّه کافی وجود داشته باشد. در نماز باید به چیزی رسید که خداوند نماز را به خاطر آن قرار داده و آن همان سکینه و طمأنینه‌ی ناشی از ذکر خداست. نماز با بی‌توجهی و حواس‌پرتی اثرش کم است و نمازی نیست که اسلام دستور داده و آن نمازی نیست که حسین بن علی در ظهر عاشورا و در محاصره‌ی دشمن آن را اقامه کرد. نماز واسطه و سببی است میان خالق و مخلوق. بیاییم در این ایّام، با اقتدا به حسین بن علی نمازی بخوانیم که دل‌هامان را شست‌وشو دهد و تاریکی‌ها و ظلمت‌های وجودمان را به روشنی تبدیل نماید و همه‌ی این‌ها مقدّمه‌ای شود برای آنکه نور معرفت و بصیرت در وجودمان متجلّی گردد؛ مقدّمه‌ای برای آنکه بدانیم حسین برای چه قیام کرد و برای چه حرکت کرد و چرا تا این اندازه در پیشبرد هدف خود راسخ و استوار بود و تا آخرین لحظه از پا نایستاد تا به مقام رفیع شهادت نائل شد. تا بدانیم تمام مجاهدت‌های حسین بن علی برای اقامه‌ی اسلام و برپایی آن و تطبیق آن در میان مردم بود. حسین بن علی نه برای قدرت نه برای شهرت و نه برای ثروت، بلکه تنها و تنها برای اصلاح امتّ جدّش و اقامه‌ی دین خدا در زمین قیام کرد. برای آن قیام کرد که اسلام را بر کرانه‌ی پرتگاه نابودی و در اختیار مشتی فاسق و منافق مشاهده کرد و بیش از این تعلّل را جایز ندانست. اگر حسین بن علی نبود، امروز قرائت امویان و مروانیان از شریعت الله، جهان اسلام را در نور دیده و فرا گرفته بود و دیگر صدای مخالفی به گوش نمی‌رسید. اگر حسین نبود امروز تمام جهان اسلام همچون وهابیان در شرک و نفاق و خبائث فرو رفته بودند و ندای توحید در نطفه خفه می‌گشت. حسین منجی امتّ اسلام شد و با قیام خونین خودش همه‌ی مسلمانان را به «بازگشت به اسلام» حقیقی و فراموش‌شده، همان اسلام خالص و

کامل که توسط رسول الله ابلاغ گردید، دعوت کرد و با تلنگری تکان دهنده که جهان اسلام را در بهتی عمیق فرو برد، مسلمانان را بیدار نمود. پس در می‌یابیم که در همان زمان هم که تنها ۶۰ سال از رسول الله فاصله داشت، اسلام فراموش شده بود و در حال پایمال شدن توسط طواغیت و سلاطین منافقی چون یزید بود. لذا به هیچ عنوان استبعادی ندارد اگر کسی امروز که بیش از ۱۴۰۰ سال از رحلت رسول الله گذشته نیز ادعا کند که اسلام فراموش شده است و همگی مسلمانان باید به سوی اسلام حقیقی بازگردند.

به همین دلیل، آنچه امروز از سوی عالمی فرزانه و بزرگوار تحت عنوان «بازگشت به اسلام» شنیده می‌شود امتداد نهضت حسین بن علی است و بی‌تردید در جبهه‌ی حسین قرار دارد. نگویید: مگر ما مسلمان نیستیم؟! چرا «منصور هاشمی خراسانی» ما را به بازگشت به سوی اسلام فرا می‌خواند؟! عزیزان من! این دیگر چه حرفی است؟! وقتی در آن زمان که تنها ۶۰ سال از رسول الله گذشته بود، امت اسلام نیاز به یک احیاء داشت که آنان را به سوی «بازگشت به اسلام» دعوت کند، به طریق اولی امروز ما بیشترین احتیاج را به «بازگشت به اسلام» داریم و حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی به پیروی از حسین بن علی ما را به بازگشت به اسلام فرا می‌خواند. امروز اسلام به سان پوستین وارونه‌ای بر تن مسلمانان شده است و به نص رسول خدا در زمانه‌ای قرار داریم که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی باقی نمانده است و برای رهایی از این وضعیت چاره‌ای از آن نیست که به سوی اسلام راستین بازگردیم. پیام محوری کتاب «بازگشت به اسلام» نیز ارائه‌ی قرائتی جامع، قابل قبول، وزین و مستند به منابع دسته اول از شریعت اسلام برای همه‌ی مسلمانان جهان است تا آنکه مسلمانان به یک وحدت نظر و اشتراک و تفاهم پیرامون آن دست پیدا کنند و دست در دست یکدیگر در راستای اقامه‌ی اسلام در سرتاسر جهان به پا خیزند.

خواهر و برادرم! من در مورد این کتاب ماندگار و ارزشمند بسیار تجربه کرده‌ام و بارها خواهران و برادران زیادی را دیده‌ام که بحمد الله این کتاب شریف و ارزشمند بر قلب‌های پاک و زلالشان نشسته و موجب بیداری‌شان شده است. شاهد بوده‌ام که حتی در ماه مبارک رمضان، به جای خرج‌های غفلت‌زا و بیهوده، برخی از آن‌ها که امکان چاپ برایشان نبود، این کتاب را با دست نوشتند و تکثیر کردند و در اختیار دیگران قرار دادند و گفتند: بهترین و با ارزش‌ترین ماه مبارک را پشت سر گذاشتیم و بهره‌ها بردیم. راستی اگر انسان زلال شود، نور معرفت نیز در دلش می‌تابد و خداوند تنها به پاکان و توابین و متطهرین است که توفیق

بصیرت عطا می‌فرماید.

پس این نکته را از خواهری دلسوز که خیرخواه شماست بپذیرید. انسان در سحرهای این ایام به خداوند نزدیک‌تر است. در این لحظات پر معنا، در حالی که به بدی‌ها مان اقرار می‌کنیم و به سهل‌انگاری‌هایمان اعتراف داریم، با امام مهدی که فرزند حسین بن علی و ادامه‌دهنده‌ی راه او و نیز تحقق‌بخش آرمان اوست پیمان ببندیم و مانند کوفیان نباشیم که پیمان‌شان با حسین را شکستند. پیمان ببندیم که برای زمینه‌سازی ظهور مهدی از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم و برای پیگیری و تحقق آرمان حسین، که امروز آرمان مهدی است از هیچ تلاشی فروگذار ننماییم.

بیایید خود را با این موهبت الهی محک بزنیم. اگر در برابر این حرکت مبارک اسلامی شرح صدر در خود احساس کردیم بدانیم که خداوند برایمان خیر خواسته است و اگر ضیق صدر و تنگی و سختی در قلب خویش یافتیم و دیدیم که با امیال و اهوائمان سازگار نیست، بایسته است که نگران شویم و هر چه زودتر خویشتن خویش را بازسازی کنیم. ما همه بر فطرتی پاک آفریده شده‌ایم و از روح خدا در ما دمیده شده است. اگر دچار کدورت شده‌ایم و حقیقت را در نمی‌یابیم به آن دلیل است که فطرت‌هایمان بر اثر آلودگی گناهان پوشانده شده، اما روشن است که فطرت هرگز از بین نخواهد رفت و ندایش به کلی خفه نخواهد شد. آن‌ها که درون تکانی کرده‌اند، این حکمت بر قلب‌هایشان نشسته و آنان که انکارش می‌کنند، وقتی به فطرت درون سری می‌زنند، آن را حق می‌بینند.

خواهر و برادر عزادار! من نه به دنبال مقام و منصبی هستم و نه در پی خودنمایی و نه مطرح کردن خود و نه در این دنیا مزدی از گفته‌هایم و خون دل خوردن‌هایم می‌گیرم. اگر انسان بتواند چراغی را در این تاریکی‌ها روشن کند و یا شمع فروزانی را به مردم نشان دهد بی‌تردید خیر کثیری به او روی آورده و خداوند با نظر رحمت به او می‌نگرد و همین برای او از همه‌ی دنیا و مافیها کافی است. پس من چشم طمع به چیزی ندارم و از سر بیکاری و سرخوشی سخن نمی‌گویم، حتی خوب است بدانید که به خاطر همین حرف‌ها ده‌ها خطر نیز مرا از سوی شیاطین انسی و دشمنان دین خدا تهدید می‌کند، اما این‌ها هرگز برایم مهم نیست و نبوده است. پس به آنچه صادقانه و بدون کلیشه‌ها و تشریفات معمول می‌گویم، بدون تعصب و لجاجت و کوتاه‌بینی بیندیشید و تصمیم بگیرید؛ چراکه زندگی را تصمیم‌های به موقع می‌سازد.

من از همه‌ی شما دعوت می‌کنم که ندای «بازگشت به اسلام» را از سوی مردی وارسته، دین‌شناس و متعهد به شریعت، با گوش جان بشنوید و با چشم فطرت ببینید. تردیدی ندارم که در این صورت این ندا را آشنا خواهید یافت و از اعماق وجود آن را تصدیق خواهید کرد؛ چراکه بر اعماق مملکت وجود هر کدام از ما نبی باطنی و واعظی ربّانی با نام «عقل» حکومت دارد و اوست که هر ندای صادقی را تصدیق می‌کند. این عقل ماست که ندای حسین و رهروان راه او را می‌شناسد و چه زمانی بهتر از این روزها برای اجابت دعوت حسین است؟! چه زمانی بهتر از این روزها برای اجابت دعوت به سوی مهدی است؟! منصور هاشمی خراسانی تنها به سوی مهدی دعوت می‌کند؛ به سوی حسین زمان دعوت می‌کند. چونان مسلم بن عقیل که به سوی حسین دعوت می‌کرد...

ای بزرگان مردم! دست از لجاجت و تکبر بردارید و مردم را گمراه نکنید!! بزرگ حقیقی کسی است که در پیشگاه خداوند قربی داشته باشد نه در پیشگاه مردم. مشهور حقیقی کسی است که در آسمان مشهور باشد نه در زمین. تنها عالمان حقیقی و تنها بزرگان حقیقی کسانی هستند که از الله می‌ترسند. پس از خدا بترسید تا بزرگ باشید و عاقبت نیکی برای خویش رقم زنید. تردیدی نیست که بالأخره حق راه خود را پیدا می‌کند و مسیر خود را می‌یابد و به سرمنزل مقصود می‌رسد. اما نقش شما در این میان چیست؟ شما بهتر از هر کسی پیام نورانی «بازگشت به اسلام» را دریافته‌اید، اما چرا دوباره‌ی آن ساکتید؟ شما خوب می‌دانید که در این کتاب چه حقایقی نهفته است و تا چه اندازه بی‌سابقه و متفاوت و تعیین‌کننده است، پس چرا روزه‌ی سکوت گرفته‌اید و دم بر نمی‌آورید؟ آیا کتمان حقیقت و سکوت از خیر، از گناهان کبیره نیست؟!

ای خواهر و ای برادر! آگاه باشید که کتاب «بازگشت به اسلام» با این فصاحت و بلاغت و با این عمق و گستردگی و با این مطابقت کامل و بی‌نظیر با عقل و شرع، آن چیزی را می‌گوید که سال‌های سال است توسط برخی از مدعیان دیانت کتمان شده و هرگز کسی آن را یادآوری نکرده و یا نتوانسته است یادآوری کند. همان اسلام نخستین و همان شریعت راستین؛ همان اسلامی که مهدی در جامعه پیاده خواهد کرد و مردم آن را دین جدیدی خواهند شمرد. آری، اسلامی که فراموش شده به راستی که دین جدیدی است؛ چراکه امروز اثری از آن دیده نمی‌شود. پس به راستی چرا با آن مخالفت می‌کنید؟! آیا در آن انحراف و اعوجاجی یافته‌اید یا آنکه تنها با نفس معیوبتان سازگار نیست؟ بلکه به خدا قسم اگر در این کتاب انحرافی بود تا

کنون هزار بار آن را علم کرده بودید.

برادران و خواهران! ماه محرم است. تا دیر نشده به خود آییم. نویسنده‌ی این کتاب در پی خیر امت است و با کسی سر جنگ ندارد. درست است که حق تلخ است اما گوینده‌ی حق از سر دشمنی آن را بر زبان نمی‌راند. آیا شما به رنگ حق در می‌آیید یا می‌خواهید که حق به رنگ شما درآید؟ اکنون ببینید اگر این کتاب هم‌رنگ با حق است به رنگ آن درآیید و با آن هماهنگ و هم‌نوا شوید؛ چه آنکه ایستادگی و مخالفت در برابر حق نشانه‌ای از شقاوت و سوء عاقبت است.

خداوند عاقبت همه‌ی مسلمانان را ختم به خیر کند.

ید الله فوق ایدیهم... له دعوة الحق

